



به آنده از رفقای حزب
کمونیسٹ (مانویست)
ترکیه که با یورش
وحشیانه ارتش آنکشور
به قتل رسیدند!

رفقا!

[*]

عقاب رزم مقدس تان
نشسته بر ستیغ غرورِ پربارتان
کوره داغ شما،
پر درخشش باد، که
گداخته آهن و فولاد تان
با دما دمی نفس های سوزان تان
که چسان دست هایتان،
در گداخته کوره؛
چون سیالی بهم آمیخته ، و
نیروی یکتا گشته
آن دست های دست به دست شده
و؛ چون تبری فرود آمده
بر پوک درخت کهن سال
تا بر شاخ و شاخچه چرکین و خشکیده اش
دیگر آوانکان نشوند خفاشان در شبانگاه
بگذار!

بگذار بوسه زخم
 بر دست های سبز و یکتای مان
 که در سراسر جهان بهم پیوسته
 و پیوسته باد ، پیوستگی های بهم پیوسته مان .

■ [*] :- (سروده " رفقا ! ") که به خاطر یورش و کشتار دسته جمعی اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوست) ترکیه ، توسط ارتش آن کشور (به تاریخ دو سپتمبر ۲۰۰۵) سروده شده است ، پیوست نامه ای عنوان حزب مذکور به یکی از رفقای حزب کمونیست ایران (م ل م) که از این قلم خواسته بود تا در زمینه این کشتار دسته جمعی، پیام و یا مطلبی بنویسد . سروده فوق (و پیام) نوشته شده را به آن رفیق سپردم . یگانه نشریه که سروده فوق را به دست نشر سپرد " پیام فدایی " (شماره، ۹۰) بود.

از آن رفیق گرانقدر (چریکهای فدایی خلق ایران) که در نشراین سروده و سایر سروده هایم در " پیام فدایی " توجه رفیقانه نموده اند، رفیقانه ابراز امتنان می نمایم- پ. رتبیل (کبیر توخی)